روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

شنبه ۳ خرداد ۱۴۰۴ • ۲۶ ذی‌القعده ۱۴۴۶ • ۲۴ می ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۱۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۰ • اذان صبح فردا ۳:۱۱ • طلوع آفتاب ۴:۵۳

به پاس احیای هنر کهن لنج‌سازی چوبی و زنده نگه داشتن دانش دریانوردی ایرانی، نخستین شناور مدل «گوران» با نام آرورا، نماد پیوند سنت و آینده، پنجشنبه یکم خرداد در بند تاریخی گوران به آب انداخته شد. عکس: راضیه پودات، ایسنا

www.sharghdaily.com | aparat:tasvirshargh | Telegram:SharghDaily | youtube:sharghdaily | twitter:sharghdaily | instagram:sharghdaily1

آنچه تاکنون در جشنواره فیلم کن گذشته و آنچه در راه است

مترجم، نسترن آستانه: هفتادوهشتمین دوره جشنواره فیلم کن در حال برگزاری است و امسال نیز سینمای ایران در این رویداد بین‌المللی حضور پررنگی دارد. فیلم «زن و بچه» به کارگردانی سعید روستایی نخستین اکرانش را در جشنواره فیلم «کن» تجربه کرد.

سعید روستایی، ملودرام‌ساز ایرانی، پس از فیلم «برادران لیلا» در سال ۲۰۲۲، با بازگشت به خط رقابتی کن، ثابت می‌کند در به تصویر کشیدن درد زنانه زیر سایه پدرسالاری استعداد دارد. این تحلیلی است که ورایتی از ساخته جدید روستایی نوشته است: «روستایی پس از فیلم «برادران لیلا» در سال ۲۰۲۲، به کن بازگشته است. این سومین فیلم او است که با «ابد و یک روز» آغاز شد، که بر روی زنی مقاوم و نسبتا مستقل تمرکز دارد. پسر مهناز، علیار، انرژی بمب ساعتی خود را به فعالیت‌هایی همچون راه‌اندازی حلقه قمار در مدرسه، قلدری با همکلاسی‌ها و فریادزدن بر سر هر بزرگسالی که در کارهای او دخالت می‌کند، تبدیل می‌کند. بااین‌حال، این مشکل اضافه‌ای برای مهناز، پرستار بیمارستان ایجاد می‌کند که پس از مرگ همسر اولش، دو فرزند (فرزند دوم دختری آرام است) را در خانه مادرش بزرگ می‌کند. یک رابطه عاشقانه با امدادگر حمید (پیمان معادی) به نقطه‌ای رسیده است که او می‌خواهد خواستگاری کند که نیازمند رضایت خانواده‌اش از خارج از شهر است.

پرده اول صحنه‌ها و شخصیت‌هایی را که بر زندگی و کار مهناز تسلط دارند، آشکار می‌کند. روستایی به وضوح نشان می‌دهد ما در یک خرده‌جهان ناقص ریشه دوانده‌ایم که هیچ‌کس در بهترین حالت خود نیست. حمید همیشه بیماران را برای افزایش درآمد خود تحت فشار قرار می‌دهد. مهناز از رفتارهای ضداجتماعی علیار دفاع می‌کند و اعتراضات موجه همکارش را که پسرش باعث ناراحتی او می‌شود، نادیده می‌گیرد. به استثنای مادر راستگوی مهناز، زنان در زندگی او در این شلوغی اولیه به حاشیه می‌روند. خواهر کوچک‌تر او، مهری (سها نیاستی) و دخترش ندا به سختی ثبت می‌شوند؛ زیرا قهرمان داستان ما بر سروکله‌زدن با مردان برای تغییر وضعیت خانواده مدرن خود و ایجاد ریشه‌های جدید از نظر اجتماعی قابل قبول، تمرکز می‌کند. روستایی در تلفیق لحظات تحول‌بخش از طریق صحنه‌هایی که براساس دیگر فعالیت‌ها سوار شده‌اند، برتری دارد. در گوشه‌ای از یک اتاق شلوغ، کسی به چشم دیگری نگاه می‌کند و اکنون هیچ چیز مثل قبل نخواهد بود. بزرگ‌ترین لحظات خارج از صحنه اتفاق می‌افتند. ما شاهد ساختار و پیامد هستیم؛ زیرا مهناز برای درک آنچه زندگی‌اش شده، تلاش می‌کند. از آنجا که لحظات احساسی به سمت افراط سوق داده می‌شوند، محیط‌های خانگی و کاری با نگاهی روایی و دقیق و با جزئیات جذاب ترسیم شده‌اند.

آنچه فیلم‌های قبلی روستایی را متمایز می‌کند، نحوه از بین بردن فاصله بین فرهنگ ایرانی و جهان غرب است. سبک او با دوربین پویا، تدوین کارآمد و داستان‌گویی مبتنی بر طرح بسیار نزدیک‌تر به فیلم‌های استودیویی آمریکایی به نظر می‌رسد. درحالی‌که این باید «زن و بچه» را بیشتر قابل درک کند و روان‌شناسی آن به‌سادگی قابل جمع‌بندی نیست. تماشاگران احتمالا احساس سردرگمی خواهند کرد؛ زیرا مهناز به شیوه‌هایی فزاینده خودتخریبانه و غیرمنطقی عمل می‌کند تا به پایانی برسد که تسکین‌دهنده است، اما راه‌حل واقعی ندارد».

برخی از لحظات برجسته اولیه کن

کن روز سه‌شنبه با ادای احترام به رابرت دنیرو، ستاره سینما افتتاح شد؛ ۴۹ سال پس از اینکه «راننده تاکسی» جایزه اصلی جشنواره، نخل طلا را از آن خود کرد. دنیرو از نخل طلای افتخاری خود برای انتقاد از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده که هدف همیشگی انتقادات اوست، استفاده کرد. او همچنین به ستایش برخی از نخبگان سینما، از جمله لئوناردو دی‌کاپریو و کوئنتین تارانتینو پرداخت.

در اواخر هفته، جدیدترین فیلم ریچارد لینکلیتر، «موج نو»، مورد توجه منتقدان قرار گرفت. بازی جنیفر لارنس در فیلم «بمبر، عشق من» ساخته لین رمزی، شایعاتی درباره اسکار را به همراه داشته است. کریستن استوارت، در میان انبوه بازیگرانی که اولین کارگردانی خود را در کن امسال رونمایی می‌کنند، «گاه‌شماری آب» را در بخش «نوعی نگاه» جشنواره به نمایش گذاشت. استوارت با فیلم خود سعی دارد این مطلب را که کارگردانی برای تعداد کمی از افراد است، از بین ببرد.

از جشنواره فیلم کن ۲۰۲۵ چه انتظار می‌رود

فیلم «طرح فنیقی» ساخته وس اندرسون، یک کمدی جاسوسی با بازی بنیسیو دل‌تورو و میا تریپلتون که در طول تشویق ایستاده بعد از تماشای اثرش به‌شدت احساساتی شد، نقدهای متوسطی دریافت کرد. ترکیبات نقاشانه و بسیار دقیق طراح تولید، آدام استاک‌هاوزن و فیلم‌بردار، برونو دلبونل، در اینجا به وضوح نمایش داده می‌شوند، اما روایت نشان می‌دهد شاید وقت آن رسیده باشد که اندرسون سبک خود را تغییر دهد.

از جمله فیلم‌های کم‌حاشیه اما مورد تحسین قرارگرفته، درام بلوغ «رنوار» ساخته چیه هایاکاوا که در توکیو دهه ۱۹۸۰ اتفاق می‌افتد و کمدی سیاسی صنعت فیلم مصر، «عقاب‌های جمهوری» ساخته طارق صالح (برنده بهترین فیلم‌نامه ۲۰۲۲ برای «پسر بهشتی») نیز برای نخل رقابت می‌کنند. هایاکاوا در سال ۲۰۲۲ دوربین طلایی را از بخش «نوعی نگاه» برای «طرح ۷۵» برد و «رنوار» اولین فیلم رقابتی او است.

فیلم «خواهر کوچک» ساخته حفسیه هرزی که روایتی فرانسوی-الجزایری از آشکارسازی هویت است، در روز چهارم به نمایش درآمد و می‌تواند جایزه داوران یا حتی جوایز بهترین بازیگر زن را برای نادیا ملیتی که مصاحبه خوبی از ریچل هندلر در Vulture گرفت، کسب کند.

فیلم اتوبیوگرافیک کارلا سیمون با نام «رومریا» از اسپانیا، درباره یک فیلم‌ساز مشتاق که به دنبال یادگیری درباره تاریخچه خانواده‌اش و به‌ویژه پدر مرحومش است که در اوایل دهه ۱۹۹۰ در سنین جوانی بر اثر ایدز درگذشت روایت می‌شود نیز روز چهارشنبه با نقدهای مثبت همراه بود. فیلم‌برداری هلن لوارت که فیلم «الینور کبیر» اسکارلت جوهانسون در بخش «نوعی نگاه» را نیز فیلم‌برداری کرده و با کارهایش (مانند شیمر، هتل سرنوشت) یک چهره ثابت در کن است، شایسته توجه هیئت داوران قرار گرفته است.

خبرخوانی

حمایت از تصمیم فرزندان مهرجویی

بیش از ۵۰۰ نفر از چهره‌های مهم فرهنگی و اجتماعی در بیانیه‌ای با ستودن شهامت فرزندان مهرجویی در نه گفتن به اعدام و حرکت در مسیر عدالت با روش‌های جایگزین، حمایت خود را از آنها اعلام کردند.

در این بیانیه آمده است:

«مریم، صفا و مونا مهرجویی عزیز،

شهامت شما را در «نه» گفتن به اعدام می‌ستاییم و همراه شما مخالفت‌مان را با مجازات اعدام اعلام می‌کنیم».

همچنین امضاکنندگان این بیانیه با اصرار بر این نکته که خواستار رسیدگی دقیق به این پرونده هستند، بر ضرورت صدور حکمی عادلانه، بازدارنده و در عین حال دور از مجازات اعدام تاکید کرده‌اند. «ما هم‌صدا با شما تکرار می‌کنیم که با پایان رسیدگی قضائی به فاجعه قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر، پرسش‌های فراوان‌مان به پایان نرسیده و همچنان خواستار رسیدگی دقیق و مجازات غیر از اعدام عاملین این قتل وحشیانه هستیم».

در میان امضاکنندگان این بیانیه، برای اولین بار امضای چهره‌های فرهنگی-هنری، روزنامه‌نگار، فعال مدنی و دانشگاهی سرشناس در کنار هم به چشم می‌خورد.

بهرام بیضایی، مسعود کیمیایی، نرگس محمدی، بهمن فرمان‌آرا، شهناز اکملی، رخشان بنی‌اعتماد، فرهاد میثمی، جعفر پناهی، نسرین ستوده، فاطمه معتمدآریا، عمادالدین باقی، هدیه تهرانی، محمد قوچانی، آتش شاکرمی، لیلا حاتمی، پرستو فروهر، علی مصفا، حسین سربندی، مانی حقیقی، هستی امیری، گلشیفته فراهانی، عبدالله مؤمنی، سهیلا گلستانی، فرزانه طاهری، پانته‌آ بهرام، زهرا دادرس، سحر دولتشاهی، نوید محمدزاده، افسانه بایگان، لی‌لی گلستان، لی‌لی فرهادپور، عاطفه رنگریز، محمد رسول‌اف، مهوش شیخ‌الاسلامی و... به چشم می‌خورد.

روزخوانی

پاسخ‌گویی در بحران؛ ضرورت فراموش‌شده

احمد افروز: دوم خرداد، سالروز حادثه تلخ فروریختن ساختمان متروپل در آبادان است؛ فاجعه‌ای که جان شماری از هم‌وطنان‌مان را گرفت و خانواده‌های زیادی را در اندوه فرو برد. اما پیامدهای آن فقط به ابعاد انسانی و فنی محدود نماند. این حادثه، مانند رویدادهایی نظیر بندر شهید رجایی یا ساختمان پلاسکو یا سوانح طبیعی، تبدیل به مسئله‌ای اجتماعی شد که اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی را به چالش کشید.

یکی از حلقه‌های مفقوده در مدیریت بحران‌های ایران، «پاسخ‌گویی ارتباطی» است؛ مفهومی برگرفته از نظریات علوم ارتباطات که در اندیشه یورگن هابرماس نیز بازتاب یافته است. در نظریه کنش ارتباطی هابرماس، مشروعیت نهادها در گرو حضور در گفت‌وگوی عمومی و تعامل عقلانی با جامعه است. نهادهایی که در مواجهه با بحران، از شفافیت، اطلاع‌رسانی دقیق و پاسخ‌گویی علنی طفره می‌روند، به‌تدریج مشروعیت و اعتماد اجتماعی خود را از دست می‌دهند.

در حادثه متروپل، تأخیر در اطلاع‌رسانی، نبود گزارش‌های مستند و فقدان گفت‌وگوی باز با مردم، نمونه‌هایی از کاستی در پاسخ‌گویی نهادی بودند. این کاستی‌ها، به تعبیر کلمن، باعث فرسایش سرمایه اجتماعی می‌شود؛ زیرا اعتماد، همچون یک دارایی جمعی، با هر کنش غیرشفاف آسیب می‌بیند. نیکلاس لومان نیز در نظریه خود درباره اعتماد و سیستم‌های اجتماعی تأکید می‌کند بی‌اعتمادی نهادینه‌شده، چرخه ارتباطی را مختل کرده و جای آن را شایعه‌ها و گمانه‌زنی‌ها می‌گیرد.

در شرایطی که جامعه با بحران‌هایی این‌چنین روبه‌رو می‌شود، شفاف‌سازی دلایل، معرفی مسئولان و ارائه راهکارهای پیشگیرانه باید در اولویت باشد. اما نبود نشست‌های تخصصی، غیبت کارشناسان مستقل و سکوت رسانه‌ای، فضای بی‌اعتمادی را تشدید کرد. این وضعیت، به‌ویژه در شهرهایی که به حاشیه رانده شده‌اند، موجب شکل‌گیری گسل‌های اجتماعی‌ای می‌شود که عبور از آنها نیازمند بازسازی سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف است.

یکی از رویکردهای نوین در مدیریت بحران، الگوی «پاسخ‌گویی چندسطحی» است؛ الگویی که رسانه‌ها، نهادهای رسمی، دانشگاه‌ها، سمن‌ها و خانواده‌های قربانیان را در یک فرایند شفاف‌سازی جمعی مشارکت می‌دهد. چنین الگویی نه‌تنها به افزایش اعتماد کمک می‌کند، بلکه مشارکت مدنی، گفت‌وگوی اجتماعی و همدلی عمومی را بازتولید می‌کند.

در حادثه متروپل، اگر چنین مدلی به‌درستی اجرا می‌شد، می‌توانست به نقطه عطفی برای اصلاح ساختارهای نظارتی و نهادینه‌سازی فرهنگ پاسخ‌گویی تبدیل شود. اما اکنون نیز این نگرش را می‌توان درباره حادثه اخیر در بندرعباس و دیگر بحران‌های شهری به کار بست. در این حوادث تلخ باید بازنگری در مناسبات جامعه و حاکمیت را در نظر داشت.

شفافیت، پاسخ‌گویی و مشارکت عمومی سه ضلع مثلث بازسازی سرمایه اجتماعی‌اند. در دورانی که جامعه با چالش‌های چندگانه اقتصادی، زیست‌محیطی و فرهنگی روبه‌روست، نهادینه‌سازی فرهنگ پاسخ‌گویی نه‌فقط یک فضیلت اداری، بلکه ضرورتی اجتماعی برای حفظ انسجام ملی است.

یادداشت

نیاموخته‌های خردادی

علی ربیعی

در حیات سیاسی-اجتماعی ایران، روزهایی وجود دارند که به مثابه یک عصر و به درازای چند دهه بر تاریخ اثر می‌گذارند. سوم اسفندماه ۱۲۹۹، بیست‌وهشتم مرداد ۳۲ و بیست‌ودوم بهمن ۱۳۵۷ فقط یک روز نبودند؛ آثار این چند روز، محدود به یک دوره زمانی نیست. به اعتباری، آنچه به تاریخ اعتبار می‌دهد نه روزمرگی‌ها و ورق‌خوردن تقویم و حوادث تکراری، بلکه وقایعی هستند که خبر از پایان و آغازی دیگر می‌دهند.

همان‌گونه که بهمن ۵۷ نشان از یک قاعده‌مندی علمی از فروپاشی یک نظام قدرتمند سیاسی به ظاهر محکم داشت، به همین سیاق برخی پدیده‌های سیاسی و تاریخی درس‌اندوزی‌های زیادی درون خود دارند. دوم خرداد (بروز تغییرات ارزشی در آرای انتخاباتی) و سوم خرداد (چگونگی، عوامل و شرایط تجلی باورمندی و روح جمعی در دفاع از سرزمین) از این دسته روزها هستند.

در پس حادثه دوم خرداد و انتخاب سیدمحمد خاتمی به عنوان رئیس‌جمهور و موارد شبیه آن، اتفاقات آن‌چنان سریع در جامعه رخ می‌دهند که در کنار عدم میل به فهم علت‌ها و تلخی‌های آن و همچنین با تبیین آرام‌بخش احاله به عوامل غیرواقعی آرام‌آرام فراموش می‌شوند و متأسفانه این حوادث با تمام اهمیت‌شان، پایه و بنیادی برای فهم مسائل و تغییر سیاست‌ها نمی‌سازند. بدین‌سان علت‌ها به قوت خود باقی می‌مانند و متغیرهای ناشناخته جدید در قالب تغییرات در نهادهای اجتماعی و همچنین تغییرات نسلی و ارزشی و نیز تغییرات جهانی و تکنولوژیک با پیوستن به علت‌های گذشته، تاروپودی درهم‌تنیده در لایه‌های پایین اجتماع به وجود می‌آورند.

مجموعه دریافت‌های من در این سال‌ها نشان می‌دهد که درک‌نکردن تغییرات و تحولات و احاله به پدیده‌های غیرواقعی و بیرونی به علاوه دفاع از سیاست‌ها، روش‌ها و به ظاهر ارزش‌هایی که بیش از آنکه واقعی باشند، تبیین‌کننده فلسفه وجودی جریان‌ها و گروه‌ها هستند، در مجموع پایه‌های عدم تمایل به فهم اصلی مسئله و سیاست‌گذاری‌ها و در نتیجه سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معارض با جریان‌های ارزشی، خواست‌ها، نیازها و افکاری که در اذهان اکثریت جامعه در جریان است، اتخاذ و زمینه بروز چالش‌ها و درگیری‌ها به وسعت ۱۴۰۱ را موجب شده‌اند.

به نظرم می‌رسد اصرار در سیاست‌های فرهنگی خاص‌گرایانه بدون درنظرگرفتن تغییرات اجتماعی علت اصلی وقایع ۱۴۰۱ بوده است.

همان‌گونه که عوامل ایجاد دوم خرداد، یک‌شبه بروز نکرده و ناشی از تحولات عمیق ساختاری و جمعیتی بوده است که طی سال‌های پس از جنگ به مرحله تکوین رسیده بود، کنشگری‌های سیاسی و اجتماعی مردم، رفتارهای انتخاباتی، مشارکت و عدم مشارکت آنها نیز بر همین قاعده سبب‌ساز بوده است.

تا زمانی که این تحولات درک نشود، کماکان شاهد پدیده‌های غیرمنتظره و پیش‌بینی‌نشده خواهیم بود.

بر همین سیاق عوامل سوم خردادساز نیز به‌خوبی مرور نشده‌اند. در سوم خرداد، از درون یک سرمایه اجتماعی بزرگ و اعتماد عمیق از اعتماد به خود تا حاکمیت پدید آمد. سوم خرداد در حقیقت نوعی حمایت و فداکاری ملی از سوی همه ایرانیان از تمامیت ارضی در مقابله با تحقیر اشغال وطن، تنهابودن ایران در برابر متجاوز (که از پشتیبانی قدرت‌های جهانی برخوردار بود؛ از شوروی کمونیستی تا آمریکا و اروپا) و مهم‌ترین نکته قائل‌بودن حقانیت برای حاکمیت کشور در جنگ تحمیلی بود. سوم خرداد مانند یک انفجار شیرین، جامعه را در بر گرفت. بنابراین سوم خرداد نیز الگویی از سرمایه اجتماعی بالا و اعتماد بالا و توجیه قابل قبول برای همگان در تحمل دشواری و سختی جنگ برای تمامیت ارضی و غرور ایرانیان است که می‌تواند در بحران‌هایی که همواره با آن روبه‌رو هستیم، به کار آید.